



استثناهایی که آثار مثبت مصوبه مالیاتی مجلس را خنثی کرد

✎ در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ نمایندگان مجلس به پیشنهادی رأی دادند که بر اساس آن برای معافیت مالیاتی اشخاص حقیقی و حقوقی سقف تعیین می‌کرد اما با استثنائات متعددی که در این بند ذکر شده، در عمل اثر و خاصیت این مصوبه از بین رفته است.

همواره یکی از چالش‌های نظام مالیاتی و بودجه‌ریزی کشور، معافیت‌های گسترده مالیاتی بوده است و بسیاری از مشاغل با روش‌های مختلف مشمول درصدی از معافیت مالیاتی شده‌اند. بر اساس اظهارات مسئولان سازمان امور مالیاتی، حدود ۵۰ درصد از اقتصاد ایران از پرداخت مالیات معاف هستند، در حالی که در نظام‌های پیشرفته مالیاتی در دنیا اساساً هیچ رسته یا بخشی مشمول معافیت دائمی نیست، بلکه معافیت‌ها بر مبنای حدود درآمد است. به عنوان مثال، درآمد یک شرکت یا فعال اقتصادی اگر بیش از یک میلیارد تومان سود خالص داشته باشد، مشمول مالیات می‌شود و این مالیات متناسب با سطح درآمد تغییر می‌کند.

نمایندگان مجلس در جریان بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۵ پیشنهادی را بررسی کردند که بر اساس آن سقف معافیت مالیاتی برای اشخاص حقیقی ۶۰ میلیارد تومان و اشخاص حقوقی ۶۰۰ میلیارد تومان خواهد بود و همچنین سقف معافیت مالیاتی و اعتبار مالیاتی اشخاص حقوقی مشمول قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها مصوب قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها ۲۰۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. اما در این مصوبه پیشنهادی، معافیت‌های دارای سقف زمانی مشخص و ماده (۸۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۳ اسفند ۱۳۶۶ با اصلاحات و الحاقات بعدی و موارد مندرج در مواد (۲)، (۳)، (۱۳۹)، (۱۴۱)، (۱۴۲)، (۱۴۳) (مکرر)، (۱۴۵) و (۲۸۰) قانون مذکور و معافیت‌های موضوع قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۲۵ آذر ۱۳۸۸ با اصلاحات و الحاقات بعدی و قانون چشم تولید دانش بنیان مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ از شمول حدود سقف تعیین شده مستثنا شده است.

در واقع بخش عمده استثنائات فعلی قانون و معافیت‌ها در این بند پیشنهادی عیناً تکرار شده است. البته در اغلب کشورهای توسعه‌یافته به جای عددی مقطوع از نرخ مؤثر مالیاتی استفاده می‌شود. نرخ مؤثر مالیاتی در ایران برای اشخاص حقوقی به طور متوسط حدود ۷٫۴ درصد است، در صورتی که در حال حاضر سقف نرخ مالیات در قانون مالیات‌های مستقیم ۲۵ درصد است.

بسیاری از شرکت‌های کوچک و متوسط در دامنه ۲۰ تا ۲۴ درصد مالیات می‌پردازند و بررسی‌ها نشان می‌دهد هرچقدر اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر می‌شود، میزان اصابت معافیت مالیاتی به آنها هم افزایش می‌یابد. به صورت مشخص، معافیت مالیاتی در شرکت‌های پتروشیمی و فولادی که سپرده‌های قابل توجهی در شبکه بانکی دارند و بخش قابل توجهی از درآمد‌ها نتیجه صادرات است و در داخل محصولات آنها در بورس کالا عرضه می‌شود، مشمول معافیت‌های مالیاتی توجهی کاهش می‌یابد.

در جریان مذاکرات صحن علنی مجلس، رئیس مجلس از ارسال دوباره یک بند پیشنهادی به کمیسیون تلفیق خبر داد که بر اساس آن نرخ مؤثر مالیاتی ۱۰ درصد در نظر گرفته خواهد شد. بر اساس اطلاعات به دست آمده از آن بند پیشنهادی، سود سپرده شرکت‌ها در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، درآمد حاصل از صادرات، معافیت ۱۰ درصدی حضور در بازار سرمایه و معافیت مالیاتی ناشی از عرضه کالا در بورس و همچنین معافیت مالیاتی به میزان افزایش سرمایه حذف خواهد شد و سقف ۲۰۰ میلیارد تومان معافیت برای افزایش سرمایه در نظر گرفته خواهد شد. این پیشنهاد قطعاً بسیار بهتر است و زمینه‌ساز آثار مثبتی در حوزه درآمد‌های مالیاتی و عدالت مالیاتی خواهد بود، اما به نظر می‌رسد راهکار کارشناسی و پایدار برای ساماندهی معافیت‌های مالیاتی، اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم است، نه افزودن بندی در قانون بودجه سالانه.

برای اولین بار در تاریخ قانون‌گذاری کشور، لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم که در واقع ایجاد پایه جدید مالیات بر مجموع درآمد بود، در دولت سیزدهم تهیه و در آبان ۱۴۰۲ به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. این لایحه دو ویژگی بسیار مهم دارد. ویژگی اول، ساماندهی و تعیین تکلیف معافیت‌های مالیاتی بود؛ به طوری که هیچ رسته و بخشی در اقتصاد ایران مشمول مالیات دائمی و صفر نمی‌شود و صرفاً برای برخی بخش‌ها تخفیف مالیاتی در نظر گرفته شده و مبنای معافیت مالیاتی، حدود درآمدی است.

به عنوان مثال، اگر یک شخص حقیقی یا حقوقی در بخش فرهنگی فعالیت می‌کند و مجموع درآمد یا سود آن در یک سال ۵۰۰ میلیارد تومان است، نباید به دلیل فعالیت در بخش فرهنگ از پرداخت مالیات معاف شود. این مثال را می‌توان به بخش‌های دیگری مانند کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی هم تعمیم داد.

ویژگی مهم دیگری این لایحه که اثر بهبود شاخص عدالت مالیاتی و بهبود توزیع ثروت دارد، این است که طبق این لایحه، محاسبه برخی هزینه‌های خانوار به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی در نظر گرفته شده است؛ به طوری که هزینه اجاره یا اقساط تسهیلات مسکن، هزینه درمان و هزینه آموزش، به میزانی که هر سال مشخص می‌شود، به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی تلقی و از سرجمع مالیات پرداختی خانوار کسر می‌شود.

از آبان ۱۴۰۲ تاکنون مجلس به لایحه مالیات بر مجموع درآمد اعتنایی نکرده و تاکنون گزارشی از بررسی این لایحه در کمیسیون اقتصادی مجلس منتشر نشده است. به نظر می‌رسد بررسی و تصویب نهایی این

لایحه، بنای محکمی برای ساماندهی معافیت‌های مالیاتی و افزایش عدالت مالیاتی در کشور ایجاد خواهد کرد و در صورت تبدیل این

لایحه به قانون، دیگر نیازی به ساماندهی معافیت‌های مالیاتی در قالب لوایح بودجه نخواهد بود.



از گرینلند تا ایران؛ ترامپ دنبال چیست؟

گزارش

در ایالت‌هایی که مراکز داده متمرکز هستند، قیمت برق سریع‌تر از میانگین ملی در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که هزینه برق فقط در سال گذشته در ویرجینیایا ۱۳ درصد، در آییلینوی ۱۶ درصد و در اوهایو ۱۳ درصد افزایش یافته است. شرکت‌های برق در حال گسترش ظرفیت تولید و ارتقا شبکه‌های انتقال برای پاسخگویی به این تقاضا هستند؛ بنابراین، این روند نشان می‌دهد که اهمیت برق از یک کالای ساده به یک سوخت استراتژیک تغییر کرده است.

نفت و گاز و انرژی‌های نو مانند به جبران تقاضای انرژی ایالات متحده کمک کند و در نتیجه فشار بر شبکه و پالایشگاه‌ها را کاهش دهد. با این حال، اهمیت راهبردی و انرژی‌فرازا در هیدروکربن‌ها است. بخش عمده‌ای از این کشور بر روی سرباستانی گوینا قرار دارد که محل ذخایر قابل توجهی از نیکل، مس، بوکسیت، کتان، طلا و سایر مواد معدنی حیاتی است که برای الکترونیک پیشرفته، فناوری‌های دفاعی، منابع انرژی تجدید پذیر و سخت‌افزار هوش مصنوعی ضروری هستند. در سال ۲۰۱۶، کاراکاس قوس معدنی «اورینوکو» را به عنوان یک منطقه تحت کنترل دولت برای استخراج مواد معدنی تأسیس کرد و این منابع را تحت مدیریت متمرکز قرار داد.

در عمل، استخراج معادن به ترکیبی از نظارت دولتی، عملیات غیررسمی و استخراج غیرقانونی گسترده تبدیل شده است. بخش قابل توجهی از مواد معدنی، به‌ویژه کولتان و سایر مواد راهبردی، ابتدا به کلمبیا قاچاق می‌شوند و سپس به بازارهای جهانی راه می‌یابند، جایی که بسیاری از آن‌ها نهایتاً به شبکه‌های فرآوری چین منتقل می‌شوند. اگرچه تولید رسمی عناصر خاکی کمیاب همچنان توسعه نیافته است اما اکوسیستم گسترده معدنی و انرژی‌ها، هم‌اکنون را در زنجیره‌های تأمین جهانی تقویت می‌کند. همچنین، باید توجه داشت که چین سال‌هاست بزرگ‌ترین خریدار نفت خام و انرژی بوده است. از این منظر، می‌توان استدلال کرد که کنترل یا نفوذ بر منابع و مواد معدنی و انرژی، چندین مزیت راهبردی برای ایالات متحده به همراه دارد. نخست، به وا شنگتن امکان می‌دهد به جای قرار گرفتن در معرض اختلالات بازار جهانی، بر اساس نیازهای انرژی خود به صورت استراتژیک عمل کند. دوم، دسترسی چین به نفت خام و انرژی‌ها

قیمت پایین را کاهش می‌دهد و در نتیجه توانایی یکن برای تنوع بخشی را محدود می‌سازد. سوم، از طریق اعمال تحریم‌ها و موقعیت‌یابی در بازار، اهرم فشار ایالات متحده را تقویت می‌کند.

شرح‌گرینلند

ترامپ آشکارا تهدید می‌دهد که اگر گرینلند کرده و ادعا می‌کند که این موضوع، به جای مواد معدنی، مسئله‌ای مرتبط با امنیت ملی است

اما پس از ماه‌ها اصطکاک دیپلماتیک، گفت‌وگو‌ها به چارچوب‌هایی رسیدند که صراحتاً عناصر خاکی کمیاب

را در کنار همکاری‌های دفاعی قرار می‌دهند. این تحول، واقعیتی عمیق‌تر را نمایان می‌سازد؛ اینکه امروزه ارزش ژئواستراتژیک گرینلند کمتر در موقعیت نظامی و بیشتر در نقش بلندمدت آن در زنجیره‌های تأمین حیاتی نهفته است. این جزیره میزبان برخی از بزرگ‌ترین ذخایر توسعه نیافته عناصر خاکی کمیاب جهان از جمله سیات‌های Tanbreez و Kvanefjeld است که هر دو سرشار از عناصر خاکی کمیاب سنگین هستند که برای آهن‌ریزهای پیشرفته، سلاح‌های دقیق، نیمه‌رساناها و سخت‌افزار هوش مصنوعی ضروری هستند. در اوایل سال ۲۰۱۹، وا شنگتن مدت‌ها قبل از آخرین تشدید تنش‌ها، تهاجم‌نامه‌ای را گرینلند با محوریت همکاری در مواد معدنی حیاتی امضا کرد. این امر نشان می‌دهد که دسترسی به منابع از مدت‌ها پیش بخشی از محاسبات بوده است.

چین نیز اهمیت گرینلند را تشخیص

داده است. یکن از طریق راهبرد جاده ابریشم قطبی خود، پروژه‌های زیرساختی را دنبال کرده و بخشی از سهام پروژه‌های معدنی کمیاب در گرینلند را به دست آورده است. حتی در مواردی که پروژه‌ها منتهی‌وقف شده‌اند، تسلط چین در فرآوری عناصر کمیاب اهرم فشاری به این کشور بر هرگونه استخراج آینده می‌دهد.

همچنین، خود قطب شمال نیز در حال تغییر است. ذوب شدن یخ‌ها مسیرهای جدید گسترش را باز می‌کند و چشم‌انداز نظامی را در سراسر اقیانوس اطلس شمالی تغییر می‌دهد. گرینلند در تقاطع مسیرهای تجاری نوظهور و مسیرهای موشکی قرار دارد و آن را به مکانی مهم از نظر راهبردی در دنیای رو به گرم شدن تبدیل می‌کند.

در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی هوش مصنوعی و تولید پیشرفته، عناصر خاکی کمیاب موضوعی اساسی هستند. زیرساخت‌های مدرن هوش مصنوعی شامل نیمه‌رساناها، آهن‌ریزهای دائمی، حسگرهای پیشرفته و مواد کوانتومی به مواد معدنی وابسته هستند که در حال حاضر تحت سلطه ظرفیت پردازش چین قرار دارند؛ بنابراین، گرینلند منبع تأمین جایگزین در این رقابت به‌محاطه است. تمایل ترامپ به گرینلند یک تصاحب آرمان‌گرایانه زمین نیست، این امر نشان‌دهنده تغییر بزرگی است مبنی بر اینکه سیاست امنیتی اکنون سیاست زیرساختی است.

اهمیت توافق با ایران

بنابراین اعدان مقامات سیاسی و کارشناسان غربی، جهان در حال گذار از نظم پیشین به نظم نوینی است که در آن کریدورهای تجار و انرژی از اهمیت بالایی برخوردارند. در این راستا، ایالات متحده تلاش می‌کند نفوذ خود در این کریدورها را تقویت و در مقابل حضور رقبا به‌ویژه چین را کم‌رنگ کند. این رویکرد با نگرش ترامپ به سیاست خارجی نیز همخوانی دارد. در این چارچوب، می‌توان بخش بزرگی از فشارهای اخیر دولت ترامپ برای توافق با ایران را توضیح داد. ایران به دلیل موقعیت راهبردی خود به نوعی در قلب کریدورهای شرق-غرب و شمال-جنوب قرار دارد که می‌تواند مغرب‌غرب به‌ویژه ایالات متحده را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، کریدور شمال-جنوب، به‌ویژه شاخه شرقی آن، برای روسیه که تحت تأثیر تحریم‌های غرب قرار دارد، تاکنون نقش مهمی در اتصال به هند و تداوم تجارت، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی و انرژی، ایفا کرده است. این کریدور در کاهش تأثیر تحریم‌های غرب در اوج جنگ اوکراین نیز اهمیت راهبردی داشته است.

همچنین، پس از جنگ اوکراین و اختلال در کریدور شمالی ابتکار کمربند و جاده، مسیرهای جایگزین مانند کریدور میانی یا اتصال چین به اروپا از طریق ایران در دستور کار قرار گرفت. دولت ترامپ برای کنترل و مدیریت کریدور میانی که برای انتقال بار، انرژی و مواد معدنی کمیاب از چین و آسیای مرکزی در قالب کریدور ژئوگروگرامپ ورود کرده است. در واقع، همکاری در چارچوب کریدور ترامپ نخستین خیز دولت ایالات متحده برای نفوذ در کریدورهای منطقه‌ای بود.

اکنون ترامپ سعی دارد در کریدورهای اتصالی چین به اروپا از طریق ایران نیز نقشی داشته باشد. با این برنامه، نخست اهرم فشار بزرگی برای چین در دست خواهد داشت و دوم تنش با ایران را مدیریت می‌کند. در این میان، تنگه‌هرمز از اهمیت چند برابری برای ایالات متحده برخوردار است که بیش از ۲۰ درصد از نفت و ۲۰ درصد از گاز طبیعی مایع جهان از آن عبور می‌کند و تأمین‌کننده نزدیک به ۵۰ درصد انرژی چین است.

از همین روی، دولت ترامپ تلاش دارد با طریق مذاکره و یا فشار نظامی این اهداف را محقق سازد. به نظر می‌رسد، وا شنگتن شدیداً به دنبال دستیابی به توافق و همکاری با ایران در بخش‌های کریدوری، انرژی و مواد معدنی است.

ارائه ۴ طرح سیاستی برتر در حوزه «نظم نوین جهانی»



در عرصه تجارت و انرژی و امنیت جهانی، چه مسئله‌ای برای نقش‌آفرینی دارد. ایران باید امروز برنامه خود و نسبت خود را با اجزاء مختلف نظم جهانی را تعریف کند و در این خصوص کشورهای منطقه و به‌طور خاص دو همسایه شرقی ایران نقشی ویژه دارند. وی افزود: مسئله افغانستان برای ایران، مسئله‌ای پیچیده و مرکب‌است که درون خود زیرمسله‌های مهمی همچون تأمین نیروی انسانی زنجیره‌های اقتصادی ایران، معماری انرژی ایران، همکاری پالی‌تیم و فارسی‌زایی، معضل آب در شرق کشور، امنیت ملی در برابر تروریسم و تعیین نسبت ایران با قدرت‌های بزرگی همچون چین و روسیه را در بر دارد. با توجه به منتهی شدن نظم پیشین بین‌الملل، ایران برای جانیابی جدید خود در جهان باید به مجموعه وسیعی از سؤالات در خصوص روابط با افغانستان به وسیلهٔ ابتکارات جدید پاسخ دهد.

تربای فرد در خصوص الزامات تحقق اهداف تعیین‌شده در این زمینه گفت: در این طرح سیاستی ابتکار ایران در نسبت با افغانستان در سه سطح طراحی شده است: نخست اقداماتی نظیر طراحی و توسعه سازوکار کفالت، مهندسی اجتماعی جمعیت اتباع به‌صورتی که اقتدار نزدیک به ایران در رأس هرم قرار گیرند. سپس اتصال ظرفیت شبکه کفالت به شبکه واسطه تجارت هزاره و تاجیک میان ایران و افغانستان به منظور انعکاس این مهندسی اجتماعی درون افغانستان، توسعه

کمر بند اقتصادی چهاره شرقی کشور و امتداد آن به

تسهیل حمل‌ونقل چندوجهی به‌ویژه ریلی و ارتقای قابلیت‌اطمینان زنجیره جابه‌جایی کالا، می‌توانند نقش مؤثری در روان‌سازی عبور کالا از قلمرو ایران ایفا کنند. با این حال علی‌رغم تصویب سند آمایش مرکز لجستیک به عنوان یک سند بالادستی در شورای عالی هماهنگی ترابری، هنوز بسیاری از مراکز لجستیکی مصوب، یا به مرحله جاییابی نرسیده‌اند و یا جایابی و احداث شده و رونق نمی‌ندازند. مهدی در خصوص اقتصادی، افزایش هزینه‌های انبارداری در بنادر بزرگ تحقق اهداف تعیین‌شده در این زمینه گفت: به منظور فعال‌سازی مراکز لجستیک لازم است ابتدا وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی امر بر بزرگ‌ترین مراکز تکلیف‌شده در سند آمایش مرکز لجستیک که از یک زیرساخت حداقلی برخوردار هستند، متمرکز شود. سپس باید ضمن الزام گمرک که تجمع خدمات خود در این مرکز، از سیاست‌های شتابی برای انتقال تشریفات گمرکی به داخل کشور استفاده نمود. به‌طور خاص در مورد بندر خشک آپرین «تجمع گمرک‌های تهران در بندر خشک آپرین»، تبدیل بندر خشک آپرین به منطقه ویژه اقتصادی، افزایش هزینه‌های انبارداری در بنادر بزرگ جنوبی و «اجرای ترانزیت داخلی بار از بنادر جنوبی

به گزارش مسیر اقتصاد اختتامیه دوازدهمین همایش مقاومتی ۴ طرح سیاستی برتر سالانه به دبیرخانه این همایش در حضور مسئولین و کارشناسان ارائه شد. «فعال‌سازی مراکز لجستیک در جهت تبدیل ایران به قطب ترانزیت»، «تقچه‌راه ایران در مسیر هاب منطقه‌ای عناصر نادر خاکی»، «ظرفیت‌های شکل‌دهی به ابتکار راهبردی-اقتصادی ایران و افغانستان» و «بررسی امکان عرضه فرآورده‌های نفتی ایران در بورس نفت و گاز شانگهای» ۴ طرح سیاستی برتر این همایش بود که به‌طور خلاصه ارائه شد.

به گزارش مسیر اقتصاد اختتامیه دوازدهمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی ۲۸ بهمن‌ماه با موضوع «نظم نوین جهانی: بازآفرینی قدرت ایران» با میزبانی مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه آغاز شد. در این همایش ۴ طرح سیاستی که از سوی کمیته داوران همایش به عنوان طرح‌های برتر شناخته‌شده بودند به‌طور خلاصه ارائه شدند.

فعال‌سازی مراکز لجستیک در جهت تبدیل ایران به قطب ترانزیت

روح‌الله مهدی کارشناس حوزه تجارت و ترانزیت، در ارائه خود گفت: ترانزیتی از ایران عبور نمی‌کند مگر از سوی کشورهایی که راهی جز ایران ندارند و این نقطه ضعف برای ما محسوب می‌شود. مشکلات متعددی موجب ایستایی محموله‌ها در مرزهای ایران شده است که از جمله ریشه‌هایی‌توان به ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی، عدم مدیریت یکپارچه مرزها و مسائل ارزی، حل این مسائل یک شبه ممکن نیست و باید برای رفع آن در میان مدت برنامه‌ریزی کنیم. مراکز لجستیک می‌تواند در چنین شرایطی به کمک کشور بیاید که بستر قانونی لازم نیز برای آن ترتیب داده شده است.

قانون اجرایی شدن این مراکز از سال ۹۷ لایم‌الاجرا شده است اما به دلایلی از آن فرآیند عقب‌افتاده‌ایم و دستاوردی در این زمینه محقق نشده است. و در بیان مزایای مراکز لجستیک گفت: این مراکز نقش کلیدی در افزایش جذابیت مسیرهای عبوری و ارتقای کیفیت خدمات ترانزیتی دارند. این مراکز با انتقال بخشی از عملیات لجستیک از بنادر و پایانه‌های مرزی به داخل کشور، کاهش ازدحام در مبادی ورودی،



تهاتر وارونه؛ مخاطرات تبدیل واردکننده کالای اساسی به فروشنده نفت

تصمیم جدید دولت برای واگذاری محموله‌های نفتی به واردکنندگان کالا‌های اساسی، با عنوان «گسترش تهاتر» معرفی شده است؛ اما این مدل با تجربه موفق تهاتر در گذشته تفاوت ماهور دارد. به جای آنکه فروش نفت متمرکز و حرفه‌ای بماند و تهاتر به کاشش هزینه ارزی و شکستن انحصار واردات کمک کند، اکنون خطر آن وجود دارد که هم بازار فروش نفت ایران بی‌ثبات‌تر شود و هم انحصار در واردات نهاده‌های کشاورزی تعمیق یابد؛ تصمیمی که می‌تواند به جای حل دو مشکل، هر دو را تشدید کند. تصمیم تازه‌ای که از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شده، در ظاهر ساده به نظر می‌رسد؛ افزایش سقف تهاتر نفت با واردات کالا‌های اساسی و سپردن محموله‌های نفتی به واردکنندگان کالاهای اساسی و کالای اساسی وارد کنند؛ اما همین تغییر اجرایی، در عمل یک جابه‌جایی مهم در ساختار تجارت خارجی کشور است؛ جابه‌جایی‌ای که پیامدهای آن بسیار فراتر از یک اصلاح اداری خواهد بود.

مسئله از جایی آغاز می‌شود که تأمین کالای اساسی در ماه‌های اخیر با دشواری‌های جدی روبه‌رو بوده است. تخصیص ارز با تأخیر انجام شده، بخشی از کالاها در صف تأمین مانده و فشار قیمتی به بازار منتقل شده است. هم‌زمان، در سمت نفت نیز شرایط فروش چندان پایدار نبوده است. بازار فروش ایران محدود است و به دلیل تعدد کانتل‌های عرضه و رقابت‌های ناهمگون، با تخفیف‌های بالا و بازگشت منابع با تأخیر همراه بوده است. همین تأخیر در ورود ارز نفتی یکی از عوامل بی‌ثباتی بازار ارز در سال جاری بوده است.

تهاتر نفت و کالای اساسی کشاورزی در دولت قبل چگونه اجرا شد؟
در چنین شرایطی، ایده واگذاری نفت به واردکنندگان کالا‌های اساسی به‌عنوان راهی برای تسهیل تأمین کالا مطرح شده است؛ اما تجربه تهاتر در گذشته نشان می‌دهد که کارکرد این ابزار به شیوه طراحی آن وابسته است. در مدلی که پیش‌تر اجرا شد، دولت با حفظ تمرکز در فروش نفت و هماهنگی با شرکت ملی نفت، تلاش کرد مسیر تأمین کالا را کوتاه کند، وابستگی به شبکه‌های ترستی را کاهش دهد و واردکنندگان جدیدی را وارد بازار کند. نتیجه آن تجربه، کاهش میانگین هزینه ارزی واردات و شکستن بخشی از انحصار در بازار نهاده‌ها بود. کالاها سریع‌تر وارد شدند، معطلی در بنادر کمتر شد و رقابت در فروش داخلی نهاده تقویت شد.

تهاتر وارونه؛ وقتی وارد کننده کالای اساسی به فروشنده نفت تبدیل می‌شود
اما مدل جدید مسیر متفاوتی را انتخاب کرده است. اکنون قرار است واردکننده کالا، محموله نفت دریافت کند و خود برای فروش آن اقدام کند. این یعنی ورود بازیگری که تخصصش تجارت نهاده و کالا است، به پیچیده‌ترین و پربریک‌ترین بخش تجارت خارجی کشور یعنی فروش نفت تحريم. فروش نفت ایران، به‌ویژه در بازار محدود پالایشگاه‌های چین، نیازمند تمرکز، هماهنگی و مدیریت حرفه‌ای است. هرچه تعداد عرضه‌کنندگان بیشتر شود، قدرت چانه‌زنی کاهش می‌یابد و احتمال رقابت قیمتی میان فروشندگان بالا می‌رود. در چنین فضایی، طبیعی است که اولویت واردکننده، فروش سریع برای تأمین سرمایه در گردش باشد، نه مدیریت راهبردی بازار نفت.

تشدید انحصار و واردات کالای اساسی نتیجه تهاتر وارونه
از سوی دیگر، واگذاری نفت به واردکنندگان بزرگ می‌تواند ساختار بازار نهاده‌های کشاورزی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. دسترسی به نفت به یک امتیاز تبدیل می‌شود و در عمل، سهم بیشتری به بازیگران بزرگ و طلبکار می‌رسد. این وضعیت نه‌تنها انحصار را کاهش نمی‌دهد، بلکه می‌تواند آن را تثبیت کند. تهاتر، اگر قرار است کارآمد باشد، باید ابزار تنظیم‌گری و انحصارشکنی باشد، نه ابزاری برای تسویه‌بدهی یا توزیع سهمیه.

تجربه شکست‌خورده اختصاص نفت به جای بدهی به واردکنندگان کالای اساسی

تجربه ماه‌های اخیر نیز نشان داده که سپردن نفت به واردکنندگان کالای اساسی به‌شکله تخصصی فروش ندارند، لزوماً به تسریع تأمین کالا منجر نمی‌شود. به گفته افراد آگاه، گزارش‌هایی از معطلی محموله‌های نفتی و دشواری در فروش آنها وجود دارد؛ وضعیتی که هم به تأخیر در بازگشت منابع انجام‌میده و هم موقعیت فروش ایران را در بازار محدود خریداران تضعیف کرده است.

تهاتر در معنای دقیق خود باید به کاهش واسطه‌ها و کوتاه شدن مسیر مبادله بینجامد؛ اما اگر در عمل یک حلقه جدید میان وزارت نفت و تریدرهای ایجاد شود، نتیجه چیزی جز افزایش هزینه مبادله نخواهد بود. انتقال ریسک فروش نفت از دولت به واردکننده، بدون آنکه ساختار فروش متمرکز و حرفه‌ای حفظ شود، نه تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه آن را به بخش دیگری از زنجیره منتقل می‌کند.

دولت چه هدفی را دنبال می‌کند؟

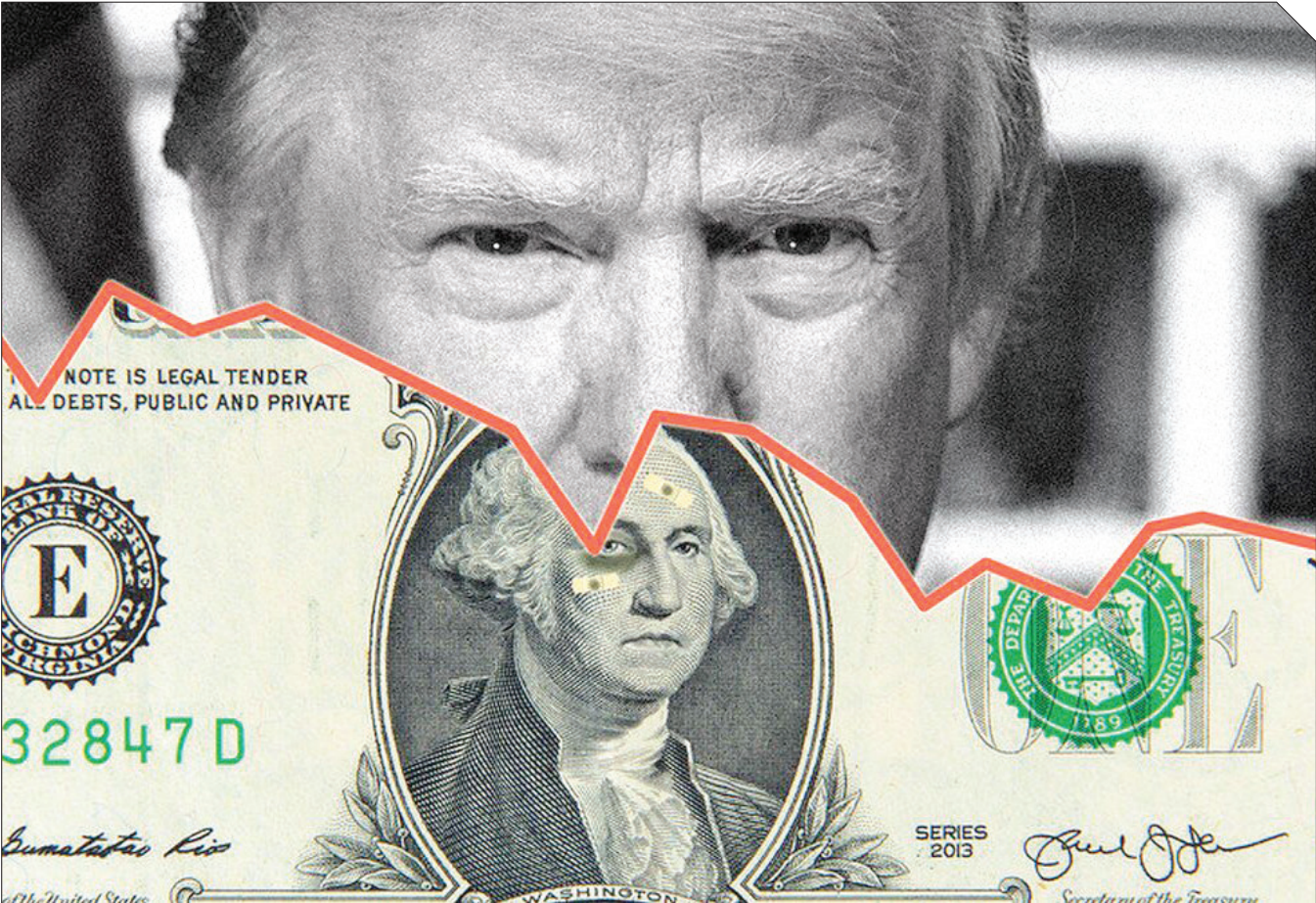
در نهایت، پرسش اصلی این است که آیا هدف دولت از مصوبه اخیر، اصلاح سازوکار فروش نفت و تأمین پایدار کالای اساسی است، یا تنها جابه‌جایی بار مالی و مدیریتی از یک بخش به بخش دیگر. اگر فروش نفت تحريمی نیازمند تمرکز، انسجام و شبکه حرفه‌ای محدود است، تکثر عرضه‌کننده و ورود بازیگران غیرمتخصص می‌تواند هزینه ارزی کشور را افزایش دهد و موقعیت چانه‌زنی ایران را تضعیف کند. در چنین شرایطی، استفاده از عنوان «تهاتر» برای مدلی که منطبق آن متفاوت است، ممکن است بیش از آنکه راه حل باشد، به پیچیده‌تر شدن هم‌زمان دو مسئله فروش نفت و تأمین کالای اساسی منجر شود.

Charsoogh newspaper
 | نبض اقتصاد
 | رادردست بگیرید

▪ پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

▪ سال دوم

▪ شماره ۴۰۲



آمریکا از «دلار»، «تعرفه» و «تحریم» سلاح اقتصادی ساخته است

گزارش

سعيد خطيب زاده رئيس مركز مطالعات سياسي و بين‌المللی وزارت امور خارجه در اختتاميه دوازدهمين همایش سالانه اقتصاد مقاومتی، ضمن بیان اینکه تحولات جهانی در پرسرعت‌ترین حالت خود از زمان جنگ جهانی دوم تا امروز قرار دارد افزود: هدف آمریکا از فشار حداکثری، منزوی کردن ایران در نهانیت فروپاشی اقتصادی است و در این راستا از تمام ابزارهای خود از جمله «دلار»، «تحریم» و «تعرفه» به‌عنوان سلاح اقتصادی بهره می‌برد؛ اما ایران به دلیل ویژگی‌هایی چون «جغرافیا»، «معادن»، «منابع» و «تمدن» از نظم جهانی حذف‌شدنی نیست و به‌شرط اقدام فعالانه، امکان بازآفرینی قدرت به‌سادگی وجود دارد. وزارت امور خارجه آماده‌است با ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، در راستای خنثی‌کردن تحریم‌ها به‌دستگاه‌های اجرایی کشور کمک کند. سعيد خطيب زاده رئيس مركز مطالعات سياسي و بين‌المللی وزارت امور خارجه، ضمن تقدیر از برگزاری این همایش توسط اندیشکده اقتصاد مقاومتی گفت: من معتقدم امروز تاریخ در پرسرعت‌ترین وضعیت خود از نظر تحولات جهانی است. شاید از زمان جنگ جهانی دوم تا امروز این آشوب‌ناکی در احوال جهان دیده نشده باشد. به نظر می‌رسد بازی به‌مراحل نهایی خود رسیده و این آشوب‌ناکی دارد به یک نقطه عطف نزدیک می‌شود. ایران در

جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، وضعیت خطیری داشت. در جنگ جهانی دوم ایران در آن شرایط آشوب‌ناک اعلام می‌طرفی کرد ولی این بی‌طرفی پذیرفته نشد و حتی شاه ایران از کشور اخراج شد.

ایران امروز نیز امکان انتخاب اعلام می‌طرفی ندارد و بخشی از موضوع تغییرات در نظم جهانی است. در سند امنیت ملی آمریکا نیز ایران در کنار سه کشور کره‌شمالی، چین و روسیه، به‌طور تلویحی به‌عنوان کشورهای پرهم‌زننده نظم جهانی مطرح شده‌است.

هدف آمریکا از فشار حداکثری فروپاشی ایران است

وی افزود: آمریکا در سال‌های اخیر با اتخاذ رویکرد فشار حداکثری، اقدامات متعددی علیه امنیت ملی و اقتصاد ایران انجام داده‌است. عبارت فشار حداکثری ایده تهاتریم ترامپ نیست و یک دکترین در حکمرانی آمریکا است که سابقه آن به جنگ سرد و مقابله با شوروی برمی‌گردد. آمریکا به‌طور جدی وارد عرصه تقابل با جمهوری اسلامی شده و برای آن برنامه‌ریزی و اقدام کرده‌است. تولیدات اندیشکده‌ها و

اتاق فکرهای آمریکایی به صراحت ابعاد مختلف این جنگ گسترده آمریکا علیه ایران را نشان می‌دهد. مسیری که آمریکا طی می‌کند هدف نهایی آن فروپاشی ایران است. بخشی از این مسیر کارهای فرهنگی و بخشی کارهای اقتصادی و بخشی نیز کارهای امنیتی است که همه این‌ها در دستور کار آمریکا قرار دارد. مقاله آقای پومپئو، وزیر وقت امور خارجه آمریکا در دوره

اول ترامپ) در فارن افرز از جمله مصادیقی است که به خوبی ابعاد این جنگ را نشان می‌دهد.

امروز اقتصاد باید در خدمت سیاست باشد

خطيب زاده ادامه داد: امروز اگر کسی در دیپلماسی اقتصادی حرف از چارچوب‌های قدیمی جهانی بزند، مشخص است که بی‌سواد است و مسئله به‌طور کامل برعکس شده است.

آمریکا از «دلار»، «تعرفه» و «تحریم» سلاح اقتصادی ساخته است
وی ادامه داد: امروز دعوی جهانی دعوی امنیت و قدرت است و اقتصاد یک ابزار برای این مسئله محسوب می‌شود. دشمن در تلاش است که اقتصاد ایران را فروپاشد. ایالات متحده آمریکا تمام ابزارهای خود

نیز فراهم می‌کند. در واقع تحریم تا زمانی که اثر دارد، برداشته نمی‌شود و اجاع برای فهم از مسئله در عمل، زمینه‌ساز بر رفتن از شرایط تحريمی به‌ویژه با استفاده از فرصت‌های تغییر نظم جهان خواهد بود.

مسئله سوم: راهبردهای مؤثر بازآفرینی قدرت ایران

نیز فراهم می‌کند. در واقع تحریم تا زمانی که اثر دارد، برداشته نمی‌شود و اجاع برای فهم از مسئله در عمل، زمینه‌ساز بر رفتن از شرایط تحريمی به‌ویژه با استفاده از فرصت‌های تغییر نظم جهان خواهد بود.

مسئله سوم: راهبردهای مؤثر بازآفرینی قدرت ایران

نیز فراهم می‌کند. در واقع تحریم تا زمانی که اثر دارد، برداشته نمی‌شود و اجاع برای فهم از مسئله در عمل، زمینه‌ساز بر رفتن از شرایط تحريمی به‌ویژه با استفاده از فرصت‌های تغییر نظم جهان خواهد بود.

اخبار ۳

را آورده وسط که وضعیت خود را برای چند دهه آینده تثبیت کند. یکی از مواردی که به‌طور عریان وسط آورده و از آن‌ها سلاح درست کرده، مؤلفه‌های اقتصادی چون تعرفه، تحریم، دلار و موارد این‌چنینی است؛ اما بداند که همین استفاده بی‌رویه از ابزارهای اقتصادی به‌نقطه ضعف آمریکا تبدیل خواهد شد. چند دهه قبل دلار به‌ارز جهان روایت‌شد که این مسئله یک مؤلفه اساسی برای قدرت آمریکا محسوب می‌شود. امروز بسیاری از کشورها شروع کرده‌اند و با ابزارهای محلی در حال تجارت هستند. ترامپ نیز به‌شدت در خصوص تحولات مربوط به حذف دلار از مبادلات حساس بوده و تهدید به وضع تعرفه کرده‌است.

ایران از نظم جدید جهانی حذف‌شدنی نیست

رئيس مركز مطالعات سياسي و بين‌المللی وزارت امور خارجه در پاسخ به این سؤال که ایران کجای نظم جدید جهانی مدنظر آمریکا است، گفت: آمریکا قصد دارد ایران را از نظر اقتصادی و جغرافیایی «بی‌ربط» کند؛ اما از آنجا که این بی‌ربط‌کردن ایران طبیعی نیست و با ویژگی‌های ایران و منطقه هم‌خوانی ندارد به سمت فروپاشی اقتصادی حرکت کرده‌اند. جغرافیا، معادن، منابع و تمدن ایران تغییرپذیر نیست و به همین دلیل آمریکایی‌ها نمی‌توانند ایران را به‌طور طبیعی از معادلات جهانی کنار بگذارند و به همین دلیل به سراغ راه‌های غیرطبیعی و مصنوعی مثل جنگ یا فروپاشی اقتصادی حرکت کرده‌اند.

وی افزود: این مسئله یک دلالت دیگر هم دارد و آن اینکه ایران

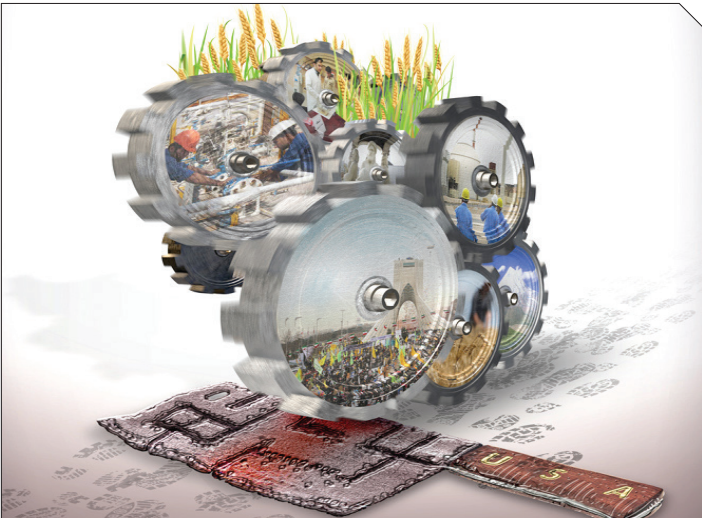
به دلیل این ویژگی‌های غیر قابل تغییر، اگر به‌صورت فعالانه وارد عمل شود، به‌سادگی می‌تواند برای خود نقش جدی در نظم جهانی پیدا کند و به بیان دیگر «بازآفرینی قدرت ایران» شدنی است و کار فوق‌العاده سختی نیست.

برنامه‌های اقتصادی کشور باید متناسب با اقتصاد مقاومتی باشد

خطيب زاده ادامه داد: من اقتصاددان نیستم اما معتقدم دال مرکزی اقتصاد و هر برنامه اقتصادی داخلی، باید بر حول اقتصاد مقاومتی تعریف شود. برای تبدیل این دال مرکزی به برنامه‌های اجرایی به راهبرد نیاز داریم. من معتقدم در تعریف راهبردهایی که بتواند اقتصاد مقاومتی به برنامه‌های اقتصادی کشور تبدیل کند، دچار ضعف هستیم. تجربه کشورهای دیگر نیز نشان می‌دهد که اجرای سیاست‌های اقتصادی به‌طور جدی با دال مرکزی اقتصادشان تطبیق داده می‌شود و برای هر اقدام اقتصادی جلسات متعددی کارشناسی برگزار می‌کنند. ولی اغتشاشات اخیر در کشور نشان داد در ایران در این زمینه دچار ضعف هستیم و برنامه‌های اقتصادی را نتواند که باید با دال مرکزی مدنظرمان که باید همان اقتصاد مقاومتی باشد، تطبیق نمی‌دهیم. حتی در شرایط تحریم مطالعات نشان داده‌است که اگر مدیریت اقتصادی اصلاح شود و منابع موجود به‌طور بهینه استفاده کنیم، امکان بهبود ۳۰ تا ۴۰ درصد وضعیت اقتصادی وجود دارد.

وزارت امور خارجه آماده کمک به خنثی‌سازی تحریم است

اما وزارت امور خارجه چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد: اول از همه در بعد دیپلماسی و استفاده از ظرفیت مذاکره، دوم در کمک به خنثی‌کردن تحریم‌ها که البته به‌دنیای یکجاریه کنونی به‌طور درصدی شاید ممکن نباشد ولی مآل‌آنها هم در این خصوص به دیگر دستگاه‌های اجرایی کمک‌بدهیم.



ایران در این حوزه ناچیز است و رقبای منطقه‌ای در حال دور زدن جغرافیای ایران هستند. لغل در تکمیل مسیرها و زیرساخت‌های لجستیکی آن همچنین بالاتکنی رایج به‌توسعه سواحل مکران به‌عنوان یک نقطه محوری در جغرافیای ایران، این مسیرها را ارزش آفرینی برای کشور فرآیج کرده‌است. همکاری با کشورهای ذینفع در توسعه مسیرها، زیرساخت‌ها و نقاط کلیدی ترانزیتی از جمله چین، روسیه، پاکستان، افغانستان، عراق، ترکمنستان و … و نه‌تنها ایران را به نقطه‌ای مهم در لجستیک منطقه تبدیل می‌کند، بلکه به‌تعامل راهبردی و پایدار با این کشورها شکل می‌دهد.

گذرا از مسائل‌های بین‌المللی به بیمان‌های دوو چند جانبه: در جهانی که سازمان‌های بین‌المللی نظیر WTO و IMF کارایی خود را از دست داده‌اند، اصرار بر عضویت در آن‌ها هزینه‌های گزاف، توجیه‌ندارد. در این زمینه، تمرکز کشور باید بر اجرایی‌سازی توافقات دوجانبه کشورهایی از جمله پاکستان، بیمان‌های منطقه‌ای و تعامل با گروه‌ها و اتحادیه‌های نوظهور مانند بریکس و شانگهای و استفاده از ظرفیت‌آنها در توسعه همکاری‌های بین‌المللی باشد.

نقش آفرینی در تأمین امنیت انرژی منطقه: ایران به‌عنوان تأمین‌کننده بخشی از نفت چین می‌تواند از ظرفیت این کشور در توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی از جمله انرژی خود استفاده کند و از خروجی آن جهت تعریف تعاملات مبتنی بر انرژی با کشورهایی از جمله عراق بهره‌برداری نماید. همچنین این فرصت وجود دارد که ایران ضمن نقش آفرینی در صادرات گاز روسیه به کشورهای منطقه، از شبکه‌های حمل‌ونقل داخلی، بنش مرکزی در تأمین امنیت انرژی منطقه ایفا کند. در صورت پیشبرد این اقدامات، زیرساخت‌های انرژی و ارتباطات بین‌المللی خود را به‌تجارت واقعی، فرآیندهای مالی بین‌المللی خود را از شبکه‌های پر هزینه و غیررسمی مستقل کند. ایجاد زیرساخت‌های پرداخت رسمی و مستقل و اتصال آن به‌تجارت واقعی، فرآیندهای مالی بین‌المللی خود را از شبکه‌های پر هزینه و غیررسمی مستقل کند. ایجاد اتاق‌های پایاپای دوجانبه با شرکای اقتصادی، اتصال فنی به سیستم‌های پرداخت بین‌بانکی در کشورهای همجوع چین و روسیه و ایجاد تقاضای واقعی برای «ریال برون‌مرزی» در قالب بیمان‌های پولی دوجانبه اقداماتی است که در این زمینه می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

نقش آفرینی در مسیرهای ترانزیتی منطقه: با وجود توسعه مسیرهای ترانزیتی شرقی-غربی و شمال-جنوب، سهم



تاب‌آوری زیر فشار؛ چگونه تجارت خارجی از شوک عبور کرد؟

تجارت خارجی ایران در ۱۰ ماهه ۱۴۰۴ با وجود تنش‌ها و محدودیت‌های تحریمی، با ثبات نسبی صادرات، کاهش معنادار ارزش واردات و بهبود ۶ میلیارد دلاری تراز تجاری همراه شد.

آمارهای ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران در یکی از پرتلاقی‌ترین دوره‌های خود، مسیر متفاوتی نسبت به انتظارات بدبینانه طی کرده است. با وجود شوک‌های بیرونی، صادرات غیرنفتی از نظر وزنی حفظ شده، ارزش واردات به شکل معناداری کاهش یافته و در نهایت تراز تجاری کشور نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶ میلیارد دلار بهبود پیدا کرده است. این ترکیب آماری، از یک سو بیانگر تاب‌آوری نسبی تجارت خارجی و از سوی دیگر نشان‌دهنده تغییر در ترکیب و کیفیت مبادلات است.

صادرات؛ رشد وزنی در برابر افت ارزشی

در ۱۰ ماهه امسال، صادرات غیرنفتی کشور به ۱۳۰ میلیون تن به ارزش ۴۵ میلیارد دلار رسیده است؛ در حالی که سال گذشته در همین بازه، ۱۲۸ میلیون تن کالا به ارزش ۴۸ میلیارد دلار صادر شده بود. رشد ۱.۳۳ درصدی وزن صادرات در کنار افت ۶.۳ درصدی ارزش دلاری، مهم‌ترین نشانه تغییر در ساختار صادرات است.

این اختلاف نشان می‌دهد متوسط قیمت هر تن کالای صادراتی کاهش یافته است. چنین روندی می‌تواند ناشی از چند عامل باشد؛ کاهش قیمت‌های جهانی برخی کالاهای پایه، افزایش سهم کالاهای کم‌ارزش‌تر در سبد صادراتی یا ارائه تخفیف‌های قیمتی برای حفظ بازارها در شرایط تحریمی. به بیان دیگر، صادرکنندگان توانسته‌اند بازارهای خود را حفظ کنند، اما با حاشیه سود کمتر. در عین حال، تثبیت حجم صادرات در شرایط محدودیت‌های بانکی و حمل‌ونقل، نشان‌دهنده تداوم مسیرهای تجاری منطقه‌ای و سازوکارهای جایگزین تسویه مالی است. این موضوع به ویژه در تعامل با شرکای آسیایی و همسایه‌ها اهمیت دارد.

واردات؛ کاهش ارزش، افزایش وزن

در سمت مقابل، واردات طی این مدت به ۳۳۰ میلیون تن به ارزش حدود ۴۹ میلیارد دلار رسیده است. سال گذشته در همین دوره، واردات ۳۱۷ میلیون تن به ارزش ۵۷۰ میلیارد دلار ثبت شده بود؛ بنابراین وزن واردات ۴.۶ درصد افزایش یافته اما ارزش دلاری آن بیش از ۱۵.۵ درصد کاهش یافته است. این واگرایی میان وزن و ارزش، پیام روشنی دارد؛ میانگین قیمت کالاهای وارداتی کاهش یافته است. چنین وضعیتی می‌تواند نتیجه مدیریت ارزی دولت و اولویت‌دهی به واردات کالاهای اساسی و واسطه‌ای ارزان‌تر باشد. به نظر می‌رسد سیاست‌گذار با محدودسازی واردات کالاهای مصرفی یا سرمایه‌های گران قیمت، تلاش کرده فشار بر منابع ارزی را کاهش دهد. همچنین حدود ۳ میلیارد دلار از واردات به شمش طلا اختصاص داشته که نسبت به سال قبل ۶ درصد رشد کرده است. واردات طلا، در سال‌های اخیر کارکردی فراتر از یک کالای مصرفی داشته و در مواردی به عنوان ابزار ذخیره ارزش یا تسویه غیرمستقیم تجاری تحت عنوان رفع تعهد ارزی مورد استفاده قرار گرفته است. گران‌ترین رقم از واردات کسرشود، تریزر تراز تجاری متعادل تر خواهد بود.

بهبود ۶ میلیارد دلاری تراز تجاری

مهم‌ترین شاخص کلان این دوره، بهبود محسوس تراز تجاری است. کسری تراز که در ۱۰ ماهه سال گذشته منفی ۱۰ میلیارد دلار بود، امسال به منفی ۴ میلیارد دلار کاهش یافته است. این بهبود ۶ میلیارد دلاری، عمدتاً ناشی از افت ارزش واردات بوده نه جهش صادرات.

به بیان تحلیلی، اقتصاد ایران در این دوره به سمت «انقباض وارداتی» حرکت کرده است؛ الگویی که در کوتاه‌مدت به بهبود تراز تجاری کمک می‌کند، اما در بلندمدت در صورت کاهش واردات کالاهای سرمایه‌ای و فناوری محور می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد؛ بنابراین مثبت شدن احتمالی تراز تجاری در پایان سال، اگرچه از منظر ارزی دستاورد محسوب می‌شود، اما باید از نظر ترکیب کالاها نیز ارزیابی شود.

تمرکز صادرات بر شرق و همسایگان

بررسی مقاصد صادراتی نشان می‌دهد سهم عمده صادرات ایران همچنان به چند شریک اصلی محدود است. چین با سهم ۲۴.۵ درصدی بزرگ‌ترین مقصد صادراتی است. پس از آن عراق، امارات متحده عربی، ترکیه و افغانستان قرار دارند. این تمرکز جغرافیایی از یک سو نشان‌دهنده تقویت پیوندهای منطقه‌ای و آسیایی در شرایط تحریم است. تجارت با کشورهایمانند چین، عراق و ترکیه به دلیل نزدیکی جغرافیایی، هزینه حمل‌ونقل کمتر و امکان استفاده از سازوکارهای مالی جایگزین، برای ایران عملیاتی‌تر و کم‌ریسک‌تر بوده و به حفظ جریان صادرات کمک کرده است. این الگو تا حدی با ساختار کالاهای صادراتی ایران نیز همخوانی دارد.

اما در مقابل، وابستگی به چند بازار محدود، ریسک تجارت خارجی را افزایش می‌دهد. گرگونه تغییر در شرایط اقتصادی، مقررات تجاری یا روابط سیاسی با این کشورها می‌تواند مستقیماً بر صادرات ایران اثر بگذارد و حتی قدرت چانه‌زنی خریداران را بی‌الا ببرد. از این رو، در کنار حفظ بازارهای منطقه‌ای، تنوع بخشی جغرافیایی به مقاصد صادراتی برای کاهش آسیب‌پذیری ضروری است.

واردات؛ نقش هاب‌های منطقه‌ای

در فهرست شرکای وارداتی، امارات متحده عربی با بیش از ۳۰ درصد سهم در صدر قرار دارد و پس از آن چین و ترکیه جای گرفته‌اند. همچنین حضور کشورهایمانند هند و آلمان نشان می‌دهد با وجود محدودیت‌های مالی و بانکی، ارتباط تجاری با برخی اقتصادهای بزرگ همچنان برقرار است و مسیر واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به طور کامل مسدود نشده است. با این حال، سهم بالای امارات بیش از آنکه ناشی از تولید داخلی این کشور باشد، به نقش آن به‌عنوان هاب منطقه‌ای و مرکز واسطه‌گری تجاری بازمی‌گردد. بخش قابل توجهی از کالاها از طریق این کشور مجدداً صادر یا ترانزیت می‌شود؛ موضوعی که نشان می‌دهد تجارت خارجی ایران همچنان تا حدی به مسیرهای غیرمستقیم و واسطه‌ای متکی است. این وابستگی اگرچه در شرایط تحریمی کارکرد تسهیل‌کننده دارد، اما می‌تواند هزینه مبادله و میزان آسیب‌پذیری در برابر تحولات سیاسی یا مقرراتی را افزایش دهد. در بخش ترانزیت خارجی، عبور ۱۷.۶ میلیون تن کالا از قلمرو ایران و ثبت کاهش ۶.۳ درصدی نسبت به سال گذشته، در نگاه نخست نشانه‌ای از افت عملکرد به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به اینکه در مقاطعی از سال و هم‌زمان با تنش‌های امنیتی، میزان ترانزیت تا حدود ۱۵ درصد کاهش یافته بود، افت نهایی کمتر از ۵ درصد بیانگر بازگشت نسبی جریان حمل‌ونقل به روال عادی است.

■ پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

■ ۱ رمضان ۱۴۴۷

■ ۲۰۲۶ February ۱۹

■ سال دوم

■ شماره ۴۰۲

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶

مدیریت ناکارآمد

به‌مثابه حمله به سبد غذایی خانوار

گزارش

حسین شیرزاد

تحلیلگر کشاورزی

در بخش کشاورزی، وقتی اصلاحات مهم از تئوری به عمل تبدیل می‌شود، دیگر یک بحث صرفاً اقتصادی نیست و به آزمونی برای اعتماد جامعه کشاورزی اعم از ذی‌نفعان و ذی‌مدخلان بخش تبدیل می‌شود.

یارانه‌ها در ایران شامل اقلام ضروری می‌شود، نه کالاهای لوکس. غذا حساس‌ترین مورد است، هر چند تنها مورد نیست. بنزین، برق و آب نیز در همین دسته قرار می‌گیرند. هیچ کدام از این موارد، برای خانواده‌هایی که از قبل تحت فشار افزایش قیمت‌ها هستند، موارد انترنالی سیاست‌گذاری نیستند بلکه آنها برای بقای روزانه یا گذران معیشت ضروری هستند. تاکنون به دلیل مدیریت ناکارآمد، تصمیم دولت برای حذف نرخ ارز یارانه‌ای در حوزه غذا برای کالاهای اساسی نتیجه معکوس داده است؛ چون وزارت جهاد کشاورزی بدون ارائه برنامه‌ای منسجم و بدون آمادگی مالی لازم برای چنین تغییرات ژرفی و بدون استفاده از مشارکت نیروهای متخصص و مجرب بخش کشاورزی چنین ریسکی را مرتکب شده است.

آزادسازی ناکهانی و رهاسازی قیمت‌ها، حذف و محدودسازی ارز ترجیحی در کالاهای اساسی و رهاسازی نرخ ارز خودتحریمی به جای مقررات‌زایی به کوچک‌شدن سفره مردم انجامیده است. کارنامه وزارت جهاد کشاورزی در میدان تیرها و قیمت انفجاری برنج، گوشت، حبوبات، میوه و دامه معضلات این شکل از مدیریت، سیاهه‌ای از شکست‌ها را برای سفره‌های مردم به ارمغان آورده است.

هدف‌گذاری در اعمال چنین سیاست‌هایی در بخش حساس کشاورزی و غذا نیازمند همدلی با بخش خصوصی و ارائه خدمات حمایتی قابل اعتماد است. در فضای آمرانه خودتحریمی‌ها، اگر نهاده‌ها و سرمایه در گردش دیر برسند، یا نرسند و اگر ذی‌نفعان زنجیره یا انفجار قیمت‌ها در حمل‌ونقل، تعرفه‌ها و مجوزها روبه‌رو شوند و یا اگر معیارها نامشخص باشند، یا اگر سیستم‌های حمایتی پولی و مالی در نظر گرفته نشوند، اصلاحات بی‌اعتبار می‌شود. کشاورزان و تجار، خطاها را به عنوان جانبداری یا بی‌کفایتی تفسیر می‌کنند؛ در محیطی که فرض بر این است که ارتباطات مهم هستند، حتی اشتباهات کوچک نیز بی‌توانند شمرعیت و زیرمردان قرار دهند. این را بین ببرند. اکنون مقبولیت وزارت جهاد کشاورزی دچار بحران شده و این اصل‌رای سیستم غذایی کشور مطلوب نیست؛ بنابراین، دکتریزشکیان باید چاره‌ای را از وزارتخانه شروع نماید.

اکنون بخش کشاورزی کشور با افزایش تورم قیمت تولیدکننده، تحت فشار فرایندهای قرار دارد و این نشان می‌دهد که در ماه‌های آینده، تورم سرریز قوی‌تری برای مصرف‌کنندگان خواهد داشت؛ حتی با مجبور کردن واردکنندگان به استفاده از نرخ‌های بازار آزاد، هزینه‌ها به‌ویژه برای مواد غذایی و کالاهای مصرفی به شدت افزایش یافته است اکنون بخش کشاورزی کشور با افزایش تورم قیمت تولیدکننده، تحت فشار فرایندهای قرار دارد و این نشان می‌دهد که در ماه‌های آینده، تورم سرریز قوی‌تری برای مصرف‌کنندگان خواهد داشت؛

■ پنجشنبه ۳۰ بهمن ۱۴۰۴

■ ۱ رمضان ۱۴۴۷

■ سال دوم

■ شماره ۴۰۲

■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور

■ چاپخانه: نگار نقش

■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲

■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۵۶۹

■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸

■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶



مدیریت ناکارآمد

به‌مثابه حمله به سبد غذایی خانوار

حتی با مجبور کردن واردکنندگان به استفاده از نرخ‌های بازار آزاد، هزینه‌ها به‌ویژه برای مواد غذایی و کالاهای مصرفی به شدت افزایش یافته است. آخرین ارقام منتشرشده توسط مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که فشارهای قیمتی در طول زنجیره تولید در پاییز ۱۴۰۴ به طور قابل توجهی تشدید شده است که منعکس‌کننده ترکیبی از افزایش هزینه‌نپاده‌ها، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و محدودیت‌های ساختاری مدوام است. شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) یک شاخص کلیدی پیش‌رو برای تورم مصرف‌کننده است، زیرا تغییرات قیمت را در سطح تولیدکننده قبل از انتقال به بازارهای نهایی ثبت می‌کند. در شرایط اقتصادی فعلی که با نوسانات نرخ ارز، تحریم‌های بین‌المللی

شدیدتر و تغییرات در سیاست‌های ارزی مشخص می‌شود، افزایش شدید تورم تولیدکنندگان به عنوان یک هشدار جدی تلقی می‌شود. هزینه‌های بالاتر تولید به‌طور فرایند‌های یا مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود، به‌ویژه در بخش‌هایی مانند دام، طیور و آبیان که کنترل قیمت محدود و وابستگی زیادی به واردات دارند. بر اساس آمار سال به‌سال، تورم تولیدکنندگان کشاورزی بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته، در حالی که میانگین نرخ تورم سالانه به ۴۴.۵ درصد رسیده است. این عدد در ۳ ماهه قبل ۳۸.۳ درصد بود.

این شاخص‌ها در کنار هم، شتاب آشکار تورم در بخش کشاورزی را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که فشارهای هزینه‌ای به جای موقتی بودن، پایدار می‌شوند. نکته مهم این است که داده‌های پایبهنوز تأثیر کامل حذف نرخ ارز ترجیحی که در دی‌ماه ۱۴۰۴ اجرا شد را منعکس نمی‌کنند. با این حال، افزایش هم‌زمان نرخ ارز نشان می‌دهد که فشارهای تورمی بر قیمت‌های مصرف‌کننده در ماه‌های آینده تشدید خواهد شد. شواهد اولیه این روند از قبل نمایان شده است.

کولاک تورم غذا

در دی ۱۴۰۴ تورم مواد غذایی به سطوح استثنایی رسید، تورم نقطه‌به‌نقطه در گروه مواد غذایی به ۹۰ درصد نزدیک شد و تورم ماهانه به رکورد تاریخی ۱۳.۷ درصد رسید که نشان‌دهنده سرعت انتقال شوک‌های تولیدکننده به مصرف‌کنندگان است.

یکی از جنبه‌های نگران‌کننده وضعیت فعلی این است که افزایش تورم در کنار رکود مداوم در فعالیت‌های طیور و دامداری رخ می‌دهد. داده‌های شاخص مدیران خرید نشان می‌دهد که بخش تولید ایران در طول سال ۱۴۰۴ به مدت ۷ ماه در رکود باقی‌مانده است و این شاخص تا آذرماه زیرآستانه ۵۰ باقی‌مانده است. فعالیت کمتر از ظرفیت، میانگین هزینه‌های واحد برای شرکت‌ها افزایش داده است، زیرا هزینه‌های ثابت بر حجم تولید پایین‌تر بخش می‌شوند و در نتیجه تورم تولیدکننده را تقویت می‌کنند. کمبود انرژی این فشارها را تشدید کرده و اختلالات مکرر در تأمین برق و گاز، بسیاری از شرکت‌ها را مجبور کرده است که با منابع انرژی جایگزین را با هزینه‌های بسیار بالاتر تأمین کنند یا تولید را کاهش دهند.

این هزینه‌های بالاتر انرژی مستقیماً در قیمت‌های نهایی منعکس می‌شود، حاشیه سود را کاهش می‌دهد و تورم ناشی از فشار هزینه‌ها در سراسر این بخش تشدید می‌کند. بدون مداخلات مؤثر سیاستی

که باید از مدت‌ها قبل در وزارت جهاد کشاورزی طراحی تدوین اجرا می‌شد، این پویایی‌ها خطر تعمیق رکود و در عین حال کاهش بیشتر قدرت خرید خانوارها را به همراه آورده است.

چند هفته تورم ۱۰ درصدی را تجربه کرده‌اند. برنج زمانی گران‌تر شد که دولت یارانه واردات کلیدی را حذف کرد. نهایت اینکه سال‌ها، برخی از واردات ضروری از طریق نرخ ارز رسمی و ارزان‌تر تأمین مالی می‌شد. به محض حذف نرخ ترجیحی، هزینه‌های واردات به نرخ بازار آزاد نه فقط نزدیک‌تر بلکه انفجاری شد و قیمت مصرف‌کننده افزایش یافت. بقیه این کالاهای اساسی نیز تحت تأثیر کمبود خوراک دام و افزایش نرخ ارز، به شدت افزایش یافته‌اند و در سبتر سوءمدیریت در بخش کشاورزی، واقعی ساختن نرخ ارز منجر به گران‌سازی اقلام ضروری سفره مردم شد.

روندی معکوس روندهای جهانی

واقعیت این است که در حالی که قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی روندی نزولی یا ثابت طی می‌کنند در ایران انفجار بی‌سابقه قیمت غذا رخ داده است. شاخص قیمت مواد غذایی فائو (FFPI) معیاری برای سنجش تغییرات ماهانه قیمت‌های بین‌المللی یک سبد از کالاهای غذایی است. این شاخص شامل میانگین شاخص‌های قیمت ۵ گروه کالایی است که با میانگین سهم صادرات هر یک از گروه‌ها در طول سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ میلادی وزن‌دهی شده‌اند. FFPI به‌عنوان میانگین وزنی تجاری قیمت کالاهای غذایی در بازارهای کلیدی کشاورزی برای غلات، روغن‌های گیاهی، شکر، گوشت و لبنیات محاسبه می‌شود. در حالی که این کالاها حدود ۴۰ درصد از تجارت ناخالص کالاهای غذایی کشاورزی (FAOSTAT) را تشکیل می‌دهند، به دلیل اهمیت بالا و استراتژیک آنها در امنیت و تجارت جهانی غذا انتخاب می‌شوند. شاخص قیمت مواد غذایی فائودر ژانویه ۲۰۲۶ به ۰.۴ درصد کاهش به ۱۲۳.۹ واحد رسید که پنجمین کاهش ماهانه متوالی و پایین‌ترین سطح از اگوست ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد. واقعیت این است که در حالی که قیمت‌های جهانی کالاهای اساسی روندی نزولی یا ثابت طی می‌کنند در ایران انفجار بی‌سابقه قیمت غذا رخ داده است قیمت شکر یک درصد کاهش یافت که ناشی از انتظارات افزایش عرضه جهانی شکر در فصل جاری بود که عمدتاً ناشی از افزایش قابل توجه تولید پیش‌بینی شده در هند و چشم‌اندازهای مطلوب در تایلند بود.

همچنین هزینه لبنیات ۵ درصد کاهش یافت که هفتمین کاهش ماهانه متوالی بود که عمدتاً ناشی از کاهش قیمت جهانی پنیر و کره بود. گوشت ۰.۴ درصد کاهش یافت که کمترین میزان از ازمیشت ماه ۲۰۲۵ است که عمدتاً منعکس‌کننده کاهش قیمت گوشت خوک است، در حالی که قیمت گوشت گاو و گوسفند به‌طور کلی ثابت ماند. در مقابل، قیمت غلات ۰.۲ درصد افزایش یافت و به بالاترین حد از ازمیشت ماه ۲۰۲۵ رسید. قیمت جو به میزان متوسطی افزایش یافت و برنج ۱.۸ درصد افزایش یافت که نشان‌دهنده افزایش تقاضا است، در حالی که قیمت گندم ۰.۴ درصد کاهش یافت. قیمت نفت نیز در بجهوجه افزایش قیمت جهانی روغن پالم، سویا و آفتابگردان ۲.۱ درصد افزایش یافت که بیش از کاهش قیمت روغن کلزا بود.

سخن پایانی

اصلاح یارانه‌ها در همه جای جهان از نظر سیاسی حساس است. در ایران، این موضوع به طرز منحصربه‌فردی انفجاری می‌شود زیرا تولید کشاورزی مالمال از ریسک و اقتصاد به دلیل شرایط تحریم و سوءمدیریت از قبل، رشد یابین و تورم بالا را تجربه می‌کند اصلاح یارانه‌ها در همه جای جهان از نظر سیاسی حساس است. در ایران، این موضوع به طرز منحصربه‌فردی انفجاری می‌شود زیرا تولید کشاورزی مالمال از ریسک و اقتصاد به دلیل شرایط تحریم و سوءمدیریت از قبل، رشد یابین و تورم بالا را تجربه می‌کند. وقتی بنزین گران‌تر می‌شود، هزینه‌های حمل‌ونقل افزایش می‌یابد. وقتی هزینه‌های حمل‌ونقل افزایش می‌یابد، اغلب قیمت مواد غذایی نیز به دنبال آن افزایش می‌یابد، زیرا جابجایی کالاها در سراسر کشور گران‌تر می‌شود. وقتی آب و برق گران‌تر می‌شود، تولیدکنندگان و مشاغل کوچک با هزینه‌های بالاتری روبه‌رو می‌شوند و آنها را به مصرف‌کنندگان منتقل می‌کند. حتی اگر افزایش قیمت سوخت محدود به نظر برسد، اثر موجی آن مهار نمی‌شود. سرعت سرریز شدن (سیاست‌ها) اهمیت دارد. در اقتصادهای پایدار، تعدیل دستمزدها و انتظارات قابل پیش‌بینی تر است؛ اما در ایران، رشد دستمزدها ناموهار است و بسیاری از خانوارها با عدم قطعیت مداوم زندگی می‌کنند و همین امر باعث می‌شود که تغییر سیاست‌ها به‌ویژه در حوزه غذا برای مردم سنگین‌تر به نظر برسد، زیرا مردم فضای کمتری برای جذب آن دارند.

واکنش عمومی توسط تجربه شکل می‌گیرد، نه سخنرانی‌های عذرخواهانه! حال که اجازه‌یها و مواد غذایی به شدت افزایش یافته‌اند، خانواده‌ها هرگونه افزایش جدید در سوخت یا نان را به‌عنوان آغاز موج دیگری تفسیر می‌کنند، حتی اگر دولت اصرار داشته باشد که آن را کنترل خواهد کرد؛ بنابراین، اصلاحات به چیزی بزرگتر از خود و به یک سیکلتا تبدیل می‌شود. اصلاحات در مدیریت بخش غذایی کشور نه یک توصیه بلکه یک الزام است؛ تا تأخیر نشده باید فکری به حال تولیدکنندگان بخش کشاورزی شود.



از تولیدکنندگان از جوجه‌ریزی خودداری کنند. این مصرف‌کنندگان با کمبود و افزایش قیمت محصولات موضوع زنگ خطری برای ماه‌های آینده است، زیرا

پروتئینی مواجه خواهند شد.

وی ادامه داد: این دغدغه‌ها به کمیسیون‌های تخصصی مجلس و وزارتخانه‌های مربوطه اعلام شده و نسبت به وضعیت پیش‌رو هشدار داده‌ایم. مهدی‌زاد همچنین درباره احتمال واردات مرغ برای تنظیم بازار گفت: اگر دولت منابع ارزی کافی برای واردات دارد، بهتر است این منابع را به تأمین نهاده‌های تولید داخلی اختصاص دهد تا تولیدکنندگان داخلی حفظ شوند. تقویت تولید داخل به مراتب کم‌هزینه‌تر و پایدارتر از تکیه بر واردات مقطعی است. رئیس کارگروه طیور اتاق بازرگانی ایران تأکید کرد: استمرار بی‌ثباتی ارزی و نبود مدیریت یکپارچه در بازار نهاده‌های دامی، نه تنها تولیدکنندگان را متضرر می‌کند، بلکه در نهایت فشار اصلی را بر مصرف‌کنندگان وارد خواهد کرد و امنیت تأمین کالاهای اساسی را با تهدید مواجه می‌سازد.